

غزل شماره ۲۷۰

دردِ عشقی کشیده ام که مپرس

زهرِ بحری چشیده ام که مپرس

گشته ام در جهان و آخر کار

دلبری برگزیده ام که مپرس

آن چنان در هوای خاکِ درش

می رود آبِ دیده ام که مپرس

من به کوشِ خود از دهانش دوش

سخنانی شنیده ام که می پرس

سوی من لب چه می گزی که «مکوی»

لبِ لعلی گزیده ام که می پرس

بی تو در کلبه کدایی خویش

رنج های کشیده ام که می پرس

بمچو حافظ غریب در ره عشق

به مقامی رسیده ام که می پرس

## تفسیر فال

یارتان در همه حال و در تمام شرایط زندگی با شماست و هیچگاه تنهایتان نخواهد گذاشت. به او اطمینان کنید؛ چرا که حرفهای او مملو از صدق، صفا و عشق به شماست. این یار وفادار به خاطر شما مصائب و مشکلات را، هرچند که بسیار دشوار و طاقت‌فرسا باشد، تحمل می‌کند و از هیچ تلاشی دریغ نمی‌ورزد. او در لحظات سختی که ممکن است بر شما بگذرد، همراهی بی‌نظیر است که همواره در کنار شما خواهد بود. یار عزیزتان نه تنها شما را در عبور از چالش‌ها یاری می‌دهد بلکه همچنین توانایی‌ها و استعدادهای نهفته‌تان را شکوفا کرده و شما را به عرش اعلا می‌رساند. ضمن اینکه مقامتان را بالا برده و احساس ارزشمندی بیشتری به شما هدیه می‌کند.

به کوشش : [پارسی‌دی](#)

منبع تفسیرها: [آلامتو](#) و [سلام دنیا](#)